

قفل یعنی کلیدی هم هست

مسعود لعلی

چاپ هشتم

book

- داستان های خلاقیت ، خوش فکری و مساله گشایی
 - منطق تور از الف به ب می برد در حالی که تخیل تو را به همه جامی برد
- آلبرت اینشتین

سرشناسه	۱ : لعلی، مسعود، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	۲ : قفل یعنی کلیدی هم هست : داستان‌های کوتاه و جذب خلاقیت - فکری و مساله‌گشایی، با دو گروه تدبیرگر و تقدیرگر آشنا شوید/گردآورنده: مسعود لعلی.
مشخصات نشر	۳ : تهران: بهار سبز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۴ : ۲۲۴ ص.
شابک	۵ : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۳۸۴ - ۳۵ - ۲
وضعیت فهرست‌نویسی	۶ : فیبا
موضوع	۷ : خلاقیت - - داستان
موضوع	۸ : حل مساله - - داستان
موضوع	۹ : داستان‌های کوتاه - - مجموعه‌ها
رده‌بندی کنگره	۱۰ : ۱۳۹۰ ق ۷ / ل ۴۰۸ BF
رده‌بندی دیویی	۱۱ : ۱۵۳/۳۵
شماره کتابشناسی ملی	۱۲ : ۲۵۲۲۱۶۵



قفل یعنی کلیدی هم هست

گردآورنده: مسعود لعلی

ویراستار: بهناز اعزب‌دفتری

طراح روی جلد: کیانوش سعادت‌مند

امور فنی و هنری: آوا راد

نوبت چاپ: پنجم، تیر ۱۳۹۲

نوبت چاپ: ششم، بهار ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: صاحب

چاپ و صحافی: گنج شایگان

قیمت: ۸۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۳۸۴ - ۳۵ - ۲

تهران، خیابان دکتر شریعتی، روبه‌روی ایستگاه متروی قلهک،

کوچه سرفراز، پلاک ۴، واحد ۱

تلفکس: ۳ - ۲۲۶۲۲۹۰۱؛ کد پستی: ۱۹۴۱۹۳۳۵۸۴

پست الکترونیک: info@baharesabz.ir

آدرس سایت: www.baharesabz.com

حق چاپ محفوظ است.

هیچ قفلی نیست در بازار امکان بی‌کلید

«صائب تبریزی»

30book

فهرست مطالب

<p>فرار از ورشکستگی..... ۵۲</p> <p>شکایت یک مشتری..... ۵۳</p> <p>داستان بستنی قیفی..... ۴۱</p> <p>قوطی خالی..... ۵۶</p> <p>فصل ۲: ارتباط خلاق و مؤثر..... ۵۹</p> <p>داستان کوتاه نخل و گمرگ..... ۶۱</p> <p>تفہیم اهمیت رصدخانه..... ۶۳</p> <p>هوش اجتماعی چیست؟..... ۶۵</p> <p>درک متقابل..... ۶۷</p> <p>داستان فیروز وزیر..... ۶۹</p> <p>ابتکار دکتر مصدق..... ۷۰</p> <p>داستان دوستان..... ۷۲</p> <p>وارد آشپزخانه شد..... ۷۵</p> <p>مهارت‌های هوش عاطفی..... ۷۶</p> <p>مردم‌داری..... ۷۷</p> <p>نماینده شرکت کوکاکولا..... ۷۹</p> <p>داستان مرد شیاد..... ۸۰</p> <p>ناپلئون و مرد پوست‌فروش..... ۸۲</p> <p>خدا در همه چیز وجود دارد..... ۸۴</p> <p>فصل ۳: داستان‌های خوش فکری و مسئله‌گشایی..... ۸۷</p> <p>کیاست در مدیریت شایعه..... ۸۹</p>	<p>مقدمه..... ۷</p> <p>فصل ۱: خلاقیت..... ۱۵</p> <p>تقلید، دشمن نوآوری..... ۱۷</p> <p>خودت باش..... ۱۹</p> <p>درهم شکستن مفروضات..... ۲۰</p> <p>سوپ ادیسون..... ۲۲</p> <p>عادت کنید که عادت نکنید..... ۲۳</p> <p>نوع دیگر دیدن..... ۲۴</p> <p>چوپان راستگو..... ۲۶</p> <p>نگاه از دریچه‌های مختلف..... ۳۰</p> <p>آرزو بر دروازه بهشت..... ۳۲</p> <p>اثبات عدم وجود صندلی (خلاقیت در عمل ۱)..... ۳۴</p> <p>زبان عمل (خلاقیت در عمل ۲)..... ۳۵</p> <p>ویژگی‌های افراد خلاق..... ۳۶</p> <p>دیدن نادیده‌ها..... ۳۷</p> <p>داستان یک موفقیت..... ۳۹</p> <p>پاکت‌نامه..... ۴۲</p> <p>دشمنان خلاقیت..... ۴۳</p> <p>فرزاتگی..... ۴۸</p> <p>ایده‌های الهام‌بخش از کجا می‌آیند؟..... ۴۹</p> <p>داستان اختراع چرخ خیاطی..... ۴۹</p> <p>چگونه زیب اختراع شد؟..... ۵۱</p>
---	---

۱۳۸.....	فرصت‌سوزی.....	۹۰.....	دختر کشاورز و پیرمرد طمع‌کار.....
۱۴۱.....	داستان چهار برادر.....	۹۳.....	اصل انصاف.....
۱۴۴.....	زندانی.....	۹۴.....	طوفان فکری Brain Storming.....
۱۴۵.....	حل مشکل چاله.....	۹۹.....	راه‌حل بهلول.....
۱۴۶.....	شایستگی.....	۱۰۱.....	سوپ سحرآمیز.....
۱۴۸.....	زیرکی به سبک الاغ.....	۱۰۳.....	راه‌حل ریشه‌ای (دو داستان).....
۱۵۶.....	دیوانه هشتم ولی احمق نه.....	۱۰۴.....	پیرمرد باهوش.....
۱۵۷.....	داستانی از روم باستان.....	۱۰۶.....	خیانت در امانت.....
۱۵۸.....	خریزه خوردن فلسفی.....	۱۰۷.....	آزمون.....
۱۵۹.....	بازاریاب از خود مطمئن.....	۱۰۸.....	داستان شرکا.....
		۱۱۰.....	راه‌حل حکیمانه.....
۱۶۱.....	فصل ۶: عشق خلاق	۱۱۲.....	شگرد پسر باهوش در مقابل نادرشاه.....
۱۶۳.....	قدرت عشق.....		
۱۶۵.....	عشق در بیمارستان.....	فصل ۴: طنز خلاقیت	۱۱۳.....
۱۶۸.....	هوش عشقی.....	۱۱۵.....	همه چی آرومه.....
۱۷۰.....	تدبیر زیبای یک معلم.....	۱۱۶.....	ترفند جالب مباشر.....
۱۷۲.....	خلاقیت در کودکان.....	۱۱۸.....	زرتگی یک فرشته.....
۱۷۷.....	رندی عاشقانه.....	۱۱۹.....	فرار.....
		۱۲۱.....	ذکاوت دکتر.....
۱۷۹.....	فصل ۷: خلاقیت منفی	۱۲۲.....	سؤال بی‌جواب.....
۱۸۱.....	نقد هوش منفی.....	۱۲۴.....	شرط می‌بندم شما شکم دارید.....
۱۸۵.....	تجارت میمون.....	۱۲۶.....	وثیقه بانکی.....
۱۸۷.....	مراسم ختم.....	۱۲۸.....	کار تیمی هوشمندانه.....
۱۸۸.....	زرتگی به سبک فرانسوی.....	۱۳۰.....	تجارت با الاغ مرده.....
۱۹۰.....	قرض.....		
۱۹۱.....	شخصیت خوب بهترین سنگ ...	فصل ۵: داستان‌های حماقت و	۱۳۱.....
۱۹۲.....	تصادف.....	۱۳۵.....	مغازه عقل‌فروشی.....

۲۰۷.....چند معما	۱۹۴.....بازارسازی به جای بازاریابی
۲۱۰.....تست هوش	۱۹۵.....بیا آدم بسازیم
۲۱۱.....معمای سه شخصیت در یک بالن!	۱۹۶.....راننده متخلف
سؤال امتحان نهایی فیزیک دانشگاه	۱۹۸.....من نقره را به طلا ترجیح می‌دهم
۲۱۴.....کپنهاک	
۲۱۶.....معمای چوب کبریت	۱۹۹.....فصل ۸ : معما درمانی
۲۱۷.....معمای میوه‌ها	۲۰۱.....معمای خروس
	۲۰۲.....آرتور شاه
۲۱۹.....منابع و مطالعات پیشنهادی:	۲۰۵.....خدا چه می‌خورد؟

300book

مقدمه

رادرفورد دانشمند مشهور انگلیسی، شب‌هنگام وارد آزمایشگاه خود شد و یکی از دانشجویانش را دید که هنوز پشت دستگاه نشسته است و کار می‌کند.

رادرفورد از او پرسید: این وقت شب چه کار می‌کنی؟
دانشجو پاسخ داد: کار می‌کنم.

رادرفورد پرسید: پس روز چه کار می‌کنی؟
دانشجو پاسخ داد: البته کار می‌کنم.

رادرفورد پرسید: صبح زود هم کار می‌کنی؟
دانشجو به امید تحسین استاد، سری به تأیید تکان داد و گفت: بلی استاد، صبح هم کار می‌کنم.

چهره رادرفورد در هم رفت و گفت‌وگوی خود را با این پرسش پایان داد: گوش کن پسر تو کی فکر می‌کنی؟

هستی سرشار از عظمت‌ها و زیبایی‌هاست و در این میان خلاقیت، نوآوری و خوش‌فکری جایگاه خاص و بی‌بدیل خویش را دارد.

خلق چیزهایی که از پیش نبوده، قدم گذاشتن در فضاهایی که تا به حال کسی تجربه نکرده، تماشای افق‌هایی که تا به حال دیده نشده، بن‌بست‌شکنی، هموار کردن شرایط و موانع به ظاهر لاینحل، جهان‌گشایی‌های ذهنی، درنوردیدن مرزهای غیرممکن و در نتیجه، گسترش مرزهای «ممکنات» در مقابل سراب «غیرممکن» همه و همه

بارقه‌های امید و شور زندگی و اساس امنیت و آرامش را برای خلق خوشبختی در زندگی پدید می‌آورد.

در این کتاب تلاش کرده‌ام از طریق تمثیل‌ها و حکایات متنوع پیام خودباوری، امید، روحیه مبارزه و تسلیم‌نشدن را به خود و شما دوستان عزیزم یادآوری نمایم. به یاد آوریم که زندگی یک معما و مسئله لاینحل نیست و برای هر گره و مانع در زندگی با استفاده از استعدادهای فکری و نیروهای ذهنی که در قالب قدرت خلاقیت، هوش و خردمندی در انسان متجلی می‌شود می‌توانیم با هر مشکل و شرایط بغرنج روبه‌رو شویم و سیر تحولات و تغییرات زندگی‌مان را به جای گلایه از تقدیر، با تدبیر مدیریت کنیم و آنها را به سمت دلخواه سوق دهیم.

و اما دو نکته:

همیشه خود را مقید کرده‌ام که به دلایل علمی و اخلاقی به منابع کتاب‌هایم اشاره نمایم. اما متأسفانه در بعضی موارد از منبعی استفاده کرده‌ام که اشاره‌ای به منبع اصلی نشده است - در اینجا بیشتر منظورم اینترنت می‌باشد - لذا نام گردآورنده و یا نویسندهٔ مطلب برایم نامعلوم است که نام‌شان را ذکر کنم. در همین‌جا، به‌خصوص از دوستان وبلاگ‌نویسم و کسانی که اقدام به گردآوری مطالب و چاپ آنها می‌کنند صمیمانه درخواست می‌کنم هنگام استفاده از منابع برای به‌روزرسانی وبلاگ‌ها و سامانه‌های اینترنتی و نیز آثار مکتوب، اصول اخلاقی را محترم



شمرده و و از هیچ مطلبی بدون ذکر منبع استفاده نکنند.
در اینجا لازم می‌دانم گزارشی از فعالیت‌های تألیفی در گذشته و نیز
چشم‌اندازی از برنامه‌های آینده‌ام را به خوانندگان عزیز ارائه دهم.
و نکته دوم، خط سیر نویسندگی‌ام را به دو مرحله تقسیم‌بندی می‌کنم:

مرحله اول: که با کتاب «شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید»،
انتشارات بهار سبز، تهران: ۱۳۸۲ آغاز شد و بر محور «قصه‌درمانی» است
و در عین حال اثربخش بودن ابزار تمثیل و حکایات، مرا بر آن داشت که از
این ابزار در بیان تجربیات شخصی‌ام و نیز دیگران بهره بگیرم.
کتاب‌های زیر (اعداد داخل پرانتز به تعداد داستان‌ها و تمثیل‌های
موجود در آن اثر اشاره دارد.) شامل مرحله اول است:

- ۱ - شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید (۹۷)
- ۲ - بهشت یا جهنم انتخاب با شماست (۱۱۰)
- ۳ - مشکلات را شکلات کنید (۸۵)
- ۴ - جانب عشق عزیز است فرو مگذارش (۸۲)
- ۵ - به بلندای فکرت پرواز خواهی کرد (۵۹)
- ۶ - عالمی دیگر بباید ساخت وز نو آدمی (۱۵۱)
- ۷ - مثل زرافه باش، یک سر و گردن از بقیه بالاتر (۶۵)
- ۸ - قصه‌هایی برای از بین بردن غصه‌ها (۴۰)
- ۹ - عکس و مکث (۱۱)
- ۱۰ - روز را خورشید می‌سازد، روزگار را ما (۵۴)
- ۱۱ - بیا زندگی را بسازیم نه با زندگی بسازیم (۵۵)
- ۱۲ - خود را فتح نه دنیا را (۵۰)

ادیسون برای استخدام افراد ابتدا آن‌ها را به ناهار دعوت می‌کرد. هنگامی که سوپ را می‌آوردند دقت می‌کرد و افرادی را انتخاب می‌کرد که پیش از چشیدن سوپ به آن نمک نمی‌زدند سپس از آن‌ها سؤالی می‌پرسید و توانایی‌های آن‌ها را با دیدی بسیار جدی بررسی می‌کرد اما افرادی که پیش از چشیدن سوپ به آن نمک می‌زدند مناسب کار با او نبودند زیرا او معتقد بود این افراد در برخورد با پدیده‌های زندگی چشم‌بند اسب به چشم دارند آن‌ها درباره آن چه ممکن و آن چه غیر ممکن است مفروضات و قید و بندهای زیادی در ذهن خود دارند آن‌ها همیشه فرض می‌کنند سوپ نیاز به نمک دارد بدون این که آن را چشیده باشند.

